

## شرایط و آثار فریب و غرور در تحقق ضمان قهری؛ مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران، انگلیس و فرانسه

### چکیده

غرور یکی از موجبات مهم ضمان قهری است، که گستره و سیعی از خدعه، فریبکاری و تدلیس را شامل می‌شود. این قاعده یکی از قواعد فقهی است و فقها آن را ذیل قاعده «المغرور یرجع الی من غره» مورد بحث قرار داده‌اند. در کتب حقوقی ایران این مسئله به صورت مستقل و منسجم بررسی نشده و ضوابط آن مشخص نیست، از این رو آنچه در این کتب آمده نامفهوم بوده و خلاء قانونی ناشی از آن را نشان می‌دهد و همین امر موجب شده است که با چالشهایی در این زمینه روبرو باشد. اما در مقایسه با حقوق فرانسه متریقی تر به نظر می‌رسد. در حقوق فرانسه فریب و غرور جنبه شخصی دارد و در حیثه عیب اراده و رضا قرار می‌گیرد، بر همین اساس ماده ۱۱۱۶ قانون مدنی فرانسه تعریفی از تدلیس و فریب ارائه می‌دهد که خود این ماده گویای همه موارد فریب نبوده؛ ناقص و در برخی موارد مبهم است. اما حقوق انگلیس نسبت به حقوق ایران و فرانسه جامع تر بوده در حقوق انگلیس از غرور و فریب؛ تحت عنوان تقلب و اظهار خلاف واقع یاد می‌شود و زمانی تحقق می‌یابد که بدون صراحت کافی از یک مفهوم دو پهلو استفاده گردد و شخص توصیف کننده با قصد فریب عمداً اظهارات عاری از صحت بیان نموده و یا در صحت و سقم اظهارات خود بی‌مبالاتی نموده باشد. به هر حال مطالعه قواعد حقوقی کشورهای مذکور نشان دهنده‌ی این است که فریبکاری از موجبات مسئولیت مدنی قلمداد می‌گردد و مبنای حکم ضمان ناشی از آن، فریب و غروری است که موجب ورود خسارت شده است که هر یک با روشهای خود برای پیشگیری از وقوع آن در درون جامعه خود تلاش می‌کنند و در بعضی وجوه موارد عمدتاً مبتنی بر وجود ترک فعل و یا عدم ترک فعل می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** فریب، قاعده غرور، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، تقلب، اظهار خلاف

## مقدمه

یکی از موضوعاتی که از دیرباز در مورد ضمان مطرح بوده، دخالت عامل فریبکاری در ایراد زیان به دیگری و تاثیر آن بر دعوی مسئولیت مدنی می‌باشد. فریب همان خدعه و نیرنگ است که از یک طرف موجب ایجاد ضمان غار گردیده و از طرف دیگر در صورت مبادرت مغرور به تلف مال غیر، می‌تواند به عنوان عاملی برای توجیه جبران خسارت در عمل زیانبار وی مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا علاوه بر مسئولیت مدنی تردید ناپذیر طرف قرارداد در صورت مبادرت به حربه فریبکاری، در خارج از عالم قرارداد و در مناسبات اجتماعی که بستر ضمان قهری می‌باشد، نیز نقش فریب در تحقق مسئولیت مدنی انکار ناپذیر بوده و این امر نه تنها در حقوق ما، فقه و شریعت والای اسلام مورد بحث واقع شده، بلکه اغلب نظام های حقوقی دنیا نیز مراتب انزجار و موضع تدافعی خود را نسبت به فرد فریبکار و عمل مذموم وی اعلام نموده و این مهم از نظر قانونگذاران نیز مغفول نمانده است. از جمله این نظام های حقوقی، نظام حقوقی ایران و فرانسه می‌باشد که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. البته در حقوق ایران در خصوص فریب و نقش آن در ضمان قهری، بحث مستقلی صورت نگرفته و حقوقدانان نیز پراکنده در مورد آن صحبت کرده‌اند. بیشتر مباحث آمده در این خصوص به تاسی از نظرات فقها می‌باشد که آن را در قالب ضمان غرور مورد بحث قرار داده‌اند و مبانی و قواعد مختلف برای آن ذکر کرده‌اند. فقها مبنای ضمان غرور را فریب دادن مغرور توسط غار دانسته‌اند و مناط صدق غرور را اتلاف مال به واسطه‌ی مغرور شدن می‌دانند. در تبیین عناصر تشکیل دهنده آن هر چند مباحثی از قبیل علم و جهل فریبکار و یا قصد و عدم قصد وی مورد مناقشه می‌باشد اما لزوم احراز سه عنصر اساسی انجام عمل خدعه آمیز، ورود زیان و رابطه سببیت میان آن دو در تحقق ضمان مباحوث عنه، نقش اساسی داشته و فقدان هر یک از عناصر مذکور موجب انتفاء تحقق ضمان غرور می‌شود. در نظام حقوقی فرانسه نیز ضمان ناشی از فریبکاری به طور مجزا مورد بحث واقع نشده و حقوق دانان این کشور آن را در قالب تدلیس، کلاهبرداری و تقلب مورد بحث قرار داده‌اند. بر پایه دیدگاه حاکم بر نظام حقوقی این کشور، خدعه و فریب مشتمل بر اعمال یا بیان اظهارات کذب و تقلب است که فاعل آن قصد فریب طرف مقابل را داشته و در این رهگذر چنانچه ضرر و زیانی حاصل شود، شخص فریب دهنده مسئول جبران آن است.

شایان ذکر است در خصوص نقش فریب در تحقق ضمان قهری در حقوق ایران و حقوق فرانسه تا کنون پژوهش خاص و مستقلی انجام نگرفته و مشاهده نگردیده است اما در خصوص ضمان غرور پژوهش‌هایی انجام گرفته. به عنوان نمونه فقهای بزرگی از جمله میرزا حسن بجنوردی در کتاب القواعد الفقهیه، میرفتاح مراغه‌ای در کتاب العناوین الفقهیه، محقق حلی در شرایع الاسلام، محقق داماد در قواعد فقه و دیگران در کتب مختلف به بحث در زمینه قاعده غرور پرداخته و مسائل مختلف مربوط به این قاعده از جمله مستندات، مبنا، مصادیق و ... را مورد بحث قرار داده‌اند همچنین حقوقدانانی از جمله دکتر صفایی و دکتر رحیمی در کتاب های مسئولیت مدنی و مسئولیت مدنی تطبیقی، دکتر کاتوزیان در کتاب مسئولیت مدنی، دکتر محسن صفری در کتاب فریبکاری و آثار آن در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه (قاعده غرور) و پژوهشگرانی مانند شفیعی علویجه در مقاله خود با عنوان شرایط غرور موجد مسئولیت در حقوق ایران و انگلیس و یا رحمانی در پژوهش خود قاعده غرور را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در حقوق غربی می‌توان به عنوان نمونه **George Class** را نام برد که در کتاب خود تحت عنوان **Meaning, purpose and cause in the law of deception** مقرراتی در مورد علت در قانون فریب بیان می‌دارد و فریب کاری را مورد بررسی قرار می‌دهد، همچنین **M.E McMahon , Bryan and Binchr** در کتاب خود در بررسی مسائل حقوق مربوط به شبه جرم، ضمن تحلیل رابطه سببیت بین زیانهای ببار آمده با عمل زیانبار، مباحث سهل انگاری، فریبکاری و خسارات ناشی از آن را مورد بحث قرار می‌دهد.

#### ۱. مفهوم فریب و غرور

غرور در لغت به معنی خدعه و فریب دادن است (جوهری، ج ۲، ۷۶۹) همچنین غرور در لغت از ماده «غر یغر» به معنای فریب دادن، فریب خوردن، حيله و خدعه به کار برده شده است. (شرتونی، ج ۲، ۱۸۶)

در اصطلاح منظور از قاعده غرور در یک تعریف آن است که، شخصی کاری انجام دهد که موجب وارد شدن ضرر به دیگری گردد و متضرر شدن شخص دوم به سبب فریب خوردن وی از شخص اول باشد. هر چند شخص اول قصد فریب دادن شخص اخیر را نداشته و خودش نیز فریب خورده یا ناآگاه و در اشتباه بوده باشد. شخص اول را غار (فریب دهنده)، شخص دوم را مغرور (فریب خورده) و این قاعده را قاعده غرور می‌گویند. (لطفی، ۱۳۷۹، ۵۹)

قاعده غرور، از جمله قواعدی است که با نگاه به حقوق افراد در روابط مالی، سعی بر آن داشته است تا حقوقی را از شخص زیان‌دیده که بر اثر فریب مخدوش شده، جبران نماید. این قاعده در زمره اولین قواعد فقهی است که هم از جانب فقهای شیعه و هم فقهای اهل سنت و حتی برخی دیگر از مذاهب اسلامی، مورد تأیید و استناد قرار گرفته است.

معنای غرور در اصطلاح فقهاء از همان معنای لغوی گرفته شده است؛ فقهاء در تعریف غرور آورده اند: عبارت است از صدور فعل و قول کسی که موجب ضرر و زیان بر شخص دیگری شود البته در اثر فریب خوردن از فعل و یا قول شخصی که او را فریب داده است؛ اگرچه قصد فریب دادن نداشته و یا جاهل باشد؛ چون در صدق عناوین افعال، قصد و نیت معتبر نخواهد بود، بنابراین مغرور می تواند به غار رجوع کند و خسارات را از او بگیرد. (بجنوردی، ۱۳۷۷، ۲۲۵) در تعریفی دیگر آمده: هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث گول خوردن شخصی دیگری بشود و ضرر و زیان متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده (غرور) ضامن است و باید از عهده خسارات وارده بر آید. (محقق داماد، ۱۳۷۴، ۱۷۱)

حقوق فرانسه در نظام حقوقی رومی ژرمن قرار می گیرد و قانون در آن محور است. (بهرامی، ۱۴۰۲، ۵۱)

در حقوق فرانسه، قانون مدنی این کشور از فریب و غرور، بحثی به میان نیاورده است. آنچه در حقوق این کشور با غرور و فریب انطباق دارد، تدلیس و نیرنگ است. تدلیس در زبان فرانسه با عنوان *Le dol* خوانده می شود که برگرفته از ریشه لاتین می باشد و در زبان انگلیسی با عنوان *Fraud* خوانده می شود.

تدلیس به معنای آن است که یکی از دو طرف عقدکارهای فریبنده و نیرنگ آمیز انجام دهد، یا این کارها با آگاهی او صورت گیرد، و به سبب آن کارها، کالای مورد معامله یا شخص طرف عقد، فاقد عیب یا نقص موجود یا واجد کمال غیر موجود نمایانده شود و با اغوای طرف دیگر عقد، وی به انعقاد آن برانگیخته شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۳۹۶)

در حقوق انگلیس *Deception* مترادف با تقلب و اظهار خلاف واقع بکار رفته است. همچنین به مفهوم امری نادرست و خطایی غیر اخلاقی می باشد. (A. Martin, 1990, p. 300)

بنا بر این هرگاه فردی با گمراه کردن دیگری سبب ورود زیان به دیگری شود در این صورت. هر جا اظهار نظر خلاف واقع و تقلب کشف شود و در صورتی که اظهار نظر خلاف واقع عمدی بوده

باشد نه سهوی و از روی قصور، موجبات جبران خسارت را فراهم می‌آورد. (Laura C.H. Hoyano Bristol, 1996, p2)

## ۲. شرایط و آثار فریب و غرور در تحقق ضمان قهری در حقوق ایران و اسلام

بحث‌های زیادی در خصوص موضوعات ضمان آور و پیامدهای ناشی از آن توسط نویسندگان حقوقی مطرح شده است؛ یکی از این مباحث مربوط به نقش فریب در ضمان قهری است که در موارد مختلف مانند فریب در عقد نکاح، فریب خوردن شخصی که در ظاهر، تلف مال دیگری به او نسبت داده شده اتفاق می‌افتد. که در اصطلاح حقوقی ایران ضمان غرور نامیده می‌شود و در حقوق انگلیس در مباحث اظهار خلاف واقع، دعوای ناشی از فریب و تقلب مطرح است. ذکر این نکته لازم است که عدم توجه به اخلاق در جوامع موجب بروز و ظهور فریب در سطوح مختلف بسیاری از جوامع شده که این معضل روز به روز افزایش می‌یابد. بنابراین مطالعه تطبیقی این امکان را می‌دهد تا با مطالعه حقوق سایر کشور بتوان به راه حلی برای حل این مشکل دست یافت.

### ۲-۱. مبنا و شرایط

گرچه نظام حقوقی ایران در قسمتهایی که واجد پیشینه شرعی و فقهی نیست، متأثر از نظام‌های حقوقی غربی و به طور خاص فرانسه و بلژیک است، لیکن تاثیر قابل توجه موازین فقهی در پذیرش و درک آن بخش نوظهور و اقتباسی از حقوق، انکارناپذیر است. (سلیمان زاده، ۱۴۰۴، ۸۷)

قاعده غرور در مکاتب فقهی شیعه، اهل سنت، ظاهریه و زیدیه معتبر شناخته شده است. شیخ طوسی نخستین کسی است که در کتاب المبسوط فی الفقه الامامیه در ابواب مختلف از جمله غضب، عاریه، و نکاح به این قاعده عمل کرده است. هر چند تعبیر صریح قاعده در عبارت ایشان دیده نشده، ولی در استدلال برای ضمان گفته است، «لأنه غره»، یعنی به این دلیل که او دیگری را مغرور کرده است. بنابراین این قاعده، هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگر بشود، و از این رهگذر، ضرر و زیانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارد برآید. (محقق داماد، ۱۳۹۷، ۲۱۱)

بر مبنای این قاعده شخصی که فریب خورده است می‌تواند به فریبکار برای جبران خسارت مراجعه کند. البته غرور نسبت به مغرور، از علل موجهه و رافع تقصیر است، هر چند که بر طبق قاعده غرور

رافع مسئولیت نیست ولی او می تواند بعد از جبران خسارت زیان دیده به غار رجوع کند و مسئولیت نهایی بر عهده غار است. (صفایی و رحیمی، ۱۹۰، ۱۳۹۷ و ۱۹۱)

هر گاه از شخصی عملی یا قولی صادر شود که باعث فریب خوردن دیگری گردد، و شخص فریب خورده ترغیب به انجام عملی شود که ظاهراً به مصلحت اوست، ولی اگر به حقیقت امر واقف بود هرگز چنین کاری را انجام نمی داد، ضمان غرور به وجود می آید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹؛ ۱۵۵) بنابراین عناصر لازم جهت تحقق غرور، وجود عملی که قول موجب فریب، رابطه علی بین فریب و انجام فعل غرور، جهل غرور و اراده واسطه مختار غرور است. (ولائی و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۲۴)

فقه‌های امامیه مبنای ضمان ناشی از فریب و غرور را موارد مختلفی بیان کرده اند و در این خصوص نظریات مختلف آورده اند. برخی مبنای ضمان ناشی از غرور را فریب خوردن غرور از قول یا فعل غار دانسته اند و حق رجوع غرور بابت غرامت منافع استیفا شده را حدیث نبوی «المغرور یرجع الی من غره» می داند. (نراقی، ۱۴۱۵، ۳۶۹) به به بیان دیگر، غار موجب ضرر به مغرور شده است و بنابر قاعده‌ی لاضرر، وارد کننده زیان، مسئول جبران خسارت وارده می باشد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ۸۰) فقیه‌ی دیگر نیز واسطه بودن حالت فریب برای اقدامات بعدی غرور را به صراحت بیان می کند و اظهار می دارد که اگر غار عالم به واقع بوده و نیت فریب دادن داشته باشد و به سبب فریب، مغرور فریب بخورد، و در اثر فریب ضرری به بار آید، غار ضامن است. (میرفتاح مراغه ای، ۱۴۱۷، ۴۴۱)

بنابراین حسب نظر مشهور فقهای امامیه، لازم نیست عامل فریب در فعل یا قول خود قصد فریب داشته باشد، زیرا تنها در برخی اعمال لازم است فعل همراه با قصد باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۷۸) و در سایر موارد صرف خواست ماده فعل موجب تحقق فعل در عالم خارج می شود. از طرفی، جهل و نادانی شخص غار رابطه علیت را بین عمل وی و ورود ضرر برطرف نمی کند و عرفاً چنین شخصی باعث ورود ضرر شناخته می شود. (طاهری، ۱۳۹۱، ۲۵۷)

در حقوق ایران، فریب و غرور که گاهی با قصد و عمد و گاهی هم بدون قصد و عمد همراه بوده، یکی از اسباب ضمان قهری و موجب مسئولیت مدنی است و اگر شخصی، دیگری را فریب دهد و در اثر این فریب، دیگری متضرر شود، شخص فریب دهنده مسئول جبران خسارت می باشد و از آنجا که شخص متضرر می تواند در امور مدنی و خسارتهای مالی به شخصی که موجب زیان شده، رجوع کند، فریب و غرور یکی از اسباب ضمان قهری و مسئولیت مدنی است. ماده ۳۲۵ قانون مدنی بیان می دارد: اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد او نیز می تواند نسبت

به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند بایع حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت.

دقت در ماده فوق بیانگر این نکته است که قانونگذار به خریدار جاهل اجازه داده تا برای گرفتن کلیه غرامات به فروشنده فضولی (غاصب) رجوع کند. گفته شده اصل محدود بودن رجوع مغرور به مواردی که زیانی به او رسیده است باید محترم باقی بماند. (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ۸۹) در اینجا به نظر می‌رسد، ورود ضرر سبب ضمان غرور می‌باشد. به بیان دیگر در حقوق مدنی ایران در ضمان غرور به عنوان یکی از صورت های مسئولیت مدنی، وجود ضرر شرط شده است. (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ۹۶) این ضرر باید مسلم و قطعی باشد تا قابلیت جبران داشته باشد. همچنین باید بدون واسطه و مستقیم باشد یعنی رابطه سببیت عرفی بین فعل یا ترک فعل شخص و خسارت وارده وجود داشته باشد.

برخی دیگر از حقوقدانان علاوه بر ورود ضرر، تقصیر را به عنوان علت مسئولیت فریب دهنده ذکر کرده اند. به عنوان نمونه نامزدی که بدون علت موجه، نامزدی را به هم می‌زند در حالی که ابویین او یا اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی را متحمل شده‌اند طرفی که وصلت را به هم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید. در اینجا در اثر تقصیر یکی از طرفین وصلت منظور به هم خورده و موجبات مسئولیت مدنی فراهم گشته است و متضررین از این عمل فوق باید به کسی که مرتکب تقصیر فوق شده است رجوع کنند. (صفایی و امامی، ۱۳۹۱، ۳۵ و ۳۶)

عامل موثر دیگر در فریب فعل یا ترک فعل آن است که فعل یا ترک فعل در صورتی فریبنده است که سبب یک باور نادرست در فرد دیگر شود. رابطه‌ی سببیت بین ضرر و فعل یا قول غار (فریب‌دهنده)، نیز یکی دیگر از عوامل موثر در تحقق مسئولیت ناشی از فریب می‌باشد.

به عبارت دیگر، برای تحقق غرور لازم است رفتاری خدعه آمیز واقع گردد و ضرری نیز به بار آید که با آن عمل، رابطه سببیت داشته باشد. جهل مغرور (فریب خورده) بدون شک یکی از عناصر این قاعده است. به دیگر سخن، اگر شخص از واقع آگاهی داشته باشد، نام مغرور بر او صادق نیست؛ لیکن درباره اینکه آیا فریب دهنده عالم به واقع باشد و جهل فریب دهنده (غار) موجب می‌شود تا او را مسئول رفتار فریب دهنده اش به شمار نیاوریم، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد.

برخی از فقها معتقدند که اگر شخصی از واقع امر آگاهی نداشته باشد، نمی‌توان او را فریب دهنده نامید، مثل کسی که غذایی را از دیگری خریده است و در حالی که نمی‌دانسته غذا از آن فروشنده نبوده است آن را به شخص ثالث تعارف کند و غذا توسط شخص اخیر خورده شود. در چنین حالتی

خریدار جاهل را نم توان فریب دهنده نامید، چون او نیز نسبت به واقع آگاهی نداشته است. (مکارم شیرازی، ج ۲، ۲۶۶) بعضی دیگر از فقها گفته‌اند: چون ظاهر فعل این شخص دیگری را فریب داده است و به تعبیر دیگر، عمل عرفا و نوعا فریبنده است، وی مسئول است، هر چند که ممکن است خود او نیز از سوی دیگری فریب خورده باشد، زیرا غرور از افعالی نیست که نیازمند قصد باشد، وانگهی اگر دلیل مسئولیت مدنی فریب دهنده (غار) آن باشد که فریب دهنده سبب متعارف خسارت است، در این حالت تفاوتی نمی‌کند که سبب عالم باشد یا جاهل. به عبارت دیگر آگاهی، جزء عناصر تشکیل دهنده غرور و مسئولیت مدنی ناشی از آن نیست. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ۱۹۱ و ۱۹)

ظاهر قانون مدنی همین نظر را که منطبق با قول مشهور فقهای امامیه است، پذیرفته و در مواد مبتنی بر قاعده غرور، تنها به جهل مغرور به عنوان شرط مسئولیت مدنی فریب دهنده تصریح کرده است. مثل مواد ۲۶۳، ۳۰۵ و ۳۲۵ قانون مدنی. (همان، ۱۹۲)

علاوه بر آن با تدقیق در مواد قانونی متفاوت از قانون مدنی از قبیل مواد ۳۲۵، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹ و ۳۹۱ می‌توان به مواردی از تأثیرات غرور و فریب و ضمان ناشی از آن پرداخت. علاوه بر آن مواد دیگری<sup>۱</sup> نیز در قانون مدنی پیش بینی شده که گرچه به روشنی به بحث فریب و ضمان ناشی از آن نمی‌پردازند و ضمان غرور در آنها مطرح نشده است اما می‌توان برخی از آنها را در ارتباط با غرور ذکر کرد.

## ۲-۲. آثار

همان طور که بیان شد، فریب یکی از اسباب قهری محسوب می‌شود و چنانچه شخصی دیگری را فریب دهد و در اثر این فریب ضرری حاصل شود، شخص مغرور مسئول جبران خسارت ناشی از فریب است ولی می‌تواند به غار رجوع کند.

بررسی مواد مربوط به غرور در حقوق ایران و مصادیق آن نشان دهنده ی این است که غرور و فریب موجب ضمان قهری و مسئولیت مدنی می‌شود و در صورت وقوع، اگر خسارتی به بار آید یا به دیگری خسارت وارد شود که شخص زیان دیده پرداخت کند، می‌تواند به شخص غار رجوع کرده خسارت خود را جبران نماید به شرطی که ضمان مغرور مبتنی بر تقصیر نباشد و مغرور به دلیل اتلاف یا ضمان ید مسئول شناخته شده باشد.

<sup>۱</sup> مانند مواد ۲۶۳، ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی

از آنجا که مغرور می‌تواند در امور مدنی و ضررهای مالی به غار رجوع کند، غرور یک قاعده مدنی است. اما در مواردی که مسئولیت فاعل زیان مبتنی بر تقصیر است، به نظر می‌رسد نمی‌توان به ظاهر قاعده غرور اکتفا کرد و مغرور را همچنان مسئول تلقی نمود.

در حقوق ایران آثار غرور در ضمانتهای قهری در موارد مختلف آمده است و کاربردهای مختلف دارد. یکی از آثار فریب و غرور در ضمانتهای قهری بحث غصب می‌باشد که در ماده ی ۳۲۵ قانون مدنی آمده است که در بحث قبل توضیح داده شد.

آنچه آمده است بیانگر این است که اگر عین مغضوب و مال غصبی تحت تسلط کسی باشد که نسبت به غصبی بودن آن ناآگاه و جاهل است و این انتقال به نحو ضمان آور نباشد، مانند اباحه در تصرف، و سپس بدون تقصیر گیرنده و بدون آنکه کوتاهی صورت گرفته باشد، مال از بین رود و پس از آن غصبی بودنش آشکار شود و مالک از شخص دوم غرامت بگیرد، شخص دوم حق دارد به غاصب رجوع کند. زیرا او در اینجا گیرنده را فریب داده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵ و ۳۶) با این ظاهر که او (غاصب)، مالک مال بوده و آن را به طور امانت به او داده است در حالی که مال مذکور در ضمان غاصب قرار داشته و بر طبق قاعده، مغرور حق دارد به کسی که او را فریب داده است، رجوع کند. این حکم تنها در صورت غرور اعمال می‌گردد ولی با مجرد جهل شخص دوم، او حق رجوع به دیگری ندارد. (نجفی، همان، ۳۵) اگر انتقال به صورت ضمان آور باشد، در صورت رجوع مالک به شخص دوم، او حق ندارد به غاصب رجوع کند.

ماده ۳۲۳ قانون مدنی نیز بیانگر این مطلب است که خریدار مال مغضوب در هر حال ضامن عین و منافع آن است. پس اگر خریدار مغرور شده باشد، می‌تواند برای جبران خسارتی که متحمل شده است به فروشنده رجوع کند ولی غرور او در برابر مالک اثر ندارد.

در جای دیگر آمده چنانچه غاصب در اثر غرور مال مغضوب را ضایع و تلف کند، این امر از ضمان او در برابر مالک نمی‌کاهد اما می‌تواند خسارت ناشی از این اتلاف را از مغرور کننده بخواهد، مالک نیز می‌تواند در این فرض به غاصب و مسبب تلف با هم رجوع کند. (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ۹۲)

از دیگر آثار فریب و غرور در ضمانتهای قهری بحث اتلاف و تسبیب می‌باشد. در بحث اتلاف بنا بر ماده ی ۳۲۸ قانون مدنی: هرکس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است. بنابراین چنانچه کسی موجب خسارت به

غیر شود خواه به صورت عمد باشد یا غیر عمد، ملزم به جبران آن است. این اصل از قاعده ی لاضرر گرفته شده است.

مثال معروف در اینجا مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.<sup>۱</sup> همچنانکه در منابع فقهی آمده، اگر شخصی در ملک خود چاهی بکند و روی آن را بپوشاند و بر اثر دعوت دیگری به ملک خود و سقوط میهمان در چاه لطمه و خسارتی به او وارد شود، نظریه ضمان حفر کننده، به دلایل ضمان نزدیکتر است و نظر مشهور این است که حفر کننده ضامن است. تشخیص غرور در فقه امامیه کاملتر از حقوق ایران است و در آن قاعده ضمان قهری غرور به طور مستقل بررسی شده ولی در حقوق ایران، قانونگذار به صورت مستقل این موضوع را بررسی نکرده و آن را باید از درون عناصر دیگری که برای این عمل مقرر شده، استنباط کرد. در بحث جبران خسارت معنوی ناشی از غرور نه تنها ابهامات رفع نشده بلکه خود سبب وجود ابهامات بیشتری شده است. بنابراین تشخیص تسبیب در فریب و غرور در مسئولیت مدنی همیشه کار آسانی نیست زیرا امکان دارد که عوامل متعددی در فریب خوردگی مغرور اثر گذاشته باشند. مثلاً علی‌رغم اغوا و اقدامات فریبکارانه، خود مغرور بعنوان عامل خارجی زمینه ورود زیان و ضرر را فراهم یا تشدید کرده باشد.

باید گفت، تشخیص غرور در فقه امامیه کامل‌تر از حقوق ایران است و در آن قاعده ضمان قهری غرور به طور مستقل بررسی شده ولی در حقوق ایران، قانونگذار به صورت مستقل این موضوع را بررسی نکرده و آن را باید از درون عناصر دیگری که برای این عمل مقرر شده، استنباط کرد. و همین امر موجب سردرگمی‌هایی برای قضات در این زمینه شده است در بحث جبران خسارت معنوی ناشی از غرور نه تنها ابهامات رفع نشده بلکه خود سبب وجود ابهامات بیشتری شده است. بنابراین تشخیص تسبیب در فریب و غرور در مسئولیت مدنی همیشه کار آسانی نیست زیرا امکان دارد که عوامل متعددی در فریب خوردگی مغرور اثر گذاشته باشند. مثلاً علی‌رغم اغوا و اقدامات فریبکارانه، خود مغرور به‌عنوان عامل خارجی زمینه ورود زیان و ضرر را فراهم یا تشدید کرده باشد. در برخی موارد ممکن است که مغرور مرتکب تقصیر از روی سهو یا بعضاً بر اثر سهل‌انگاری به فریب خوردگی علیه خود منجر شود، یا به صورت عمد موجبات آن را فراهم کرده و مستقیم در آن ذینفع بوده و شخص فریب خورده نقش شخص فریبکار را بازی کرده باشد که در برخی مواقع منجر به عدم تشخیص درست توسط قاضی رسیدگی کننده شود با نگاهی به قوانین تصویب شده راهکاری برای رسیدگی به چنین

---

<sup>۱</sup> ماده ی ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی

مواردی در قانون ایران مشاهده نمی شود بنابراین یکی از راه های جبران این کاستی پیش بینی تشکیل کارگروه ویژه با نظارت مستقیم قضات است. در این کارگروه منتخبی از کارشناسان تخصصی و حقوقی باشند، که به صورت ویژه و تخصصی در این مورد اقدام و گزارش خود را به قاضی ارائه دهند و در نهایت قاضی بر اساس آن رای صادر کند.

### ۳- شرایط و آثار فریب و غرور در تحقق ضمان قهری در حقوق انگلیس و فرانسه

#### ۳-۱. حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس فریب در شرایطی روی می دهد که فردی از طریق گمراه کردن دیگری با استفاده از یک کلاهبرداری و دروغ سبب وارد شدن زیان به دیگری شود (با نیت بد). و اقامه دعوی منوط به این است که فریب و خسارت همزمان واقع شده باشد، و اگر تقلب ایجاد شود و خسارات ایجاد نشود و یا بالعکس در این صورت هیچ سببی برای اقامه دعوی خواهان وجود ندارد که راه را برای تقلب و فریب بیشتر هموار می کند. ولی اگر فریب و خسارت همزمان واقع شود، طرف فریب خورده حق دارد خسارت از فرد فریبکاری که سبب بروز فریب شده است مطالبه نماید، با این دیدگاه که طرف بی گناه تا حد امکان در موقعیتی قرار می گیرد که قبل از فریب داشته است.

گاهی اوقات تفکیک اعمال فریبکارانه از قصورهای فریب آمیز دشوار است. به عنوان مثال یک عبارت واقعی به معنای واقعی، اگر نتواند تمام اطلاعات مربوط را شامل شود می تواند فریب محسوب شود. در یک نمونه کلاسیک، فروشنده بخشی از املاک ممکن است با ادعای این که دو خیابان در نزدیکی ملک در حال طراحی و ساخت هستند خریدار را گول بزند اما خیابان سومی که از میان ملک عبور می کند ذکر نشده باشد. (Gregory Klass . 2012 . p 4)

به طور کلی عناصر اصلی اقدام فریب عبارتند از الف) یک اظهار کذب از واقعیت؛ ب) فریب از سوی اظهارکننده؛ ج) هدف اظهارکننده القای اتکا با استفاده از وانمود باشد؛ د) خسارت وارد به مخاطب بخاطر این اتکا.

کسی که با فریبکاری یک اظهار نظر خلاف واقع یا توصیف خلاف واقع خدعه آمی، عقیده یا نیت یا هدف تحریک دیگری یا جلوگیری از عمل دیگر را با اتکا به آن در نظر دارد، در قبال زیان مالی ناشی از اتکا به اظهار نظر خلاف واقع مسئول است. در حقوق انگلیس برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از اظهار خلاف واقع، لازم است قصد و عمد اظهارکننده نسبت به فریب و کذب اظهارات خود وجود داشته باشد و از این طریق خسارت و ضرری به مخاطب اظهار وارد آید. در نتیجه می

توان گفت اظهار کننده در توصیفات و اظهارات خود قصد و عمد داشته (توصیف خلاف واقع متقلبانه) و از این حیث مرتکب تقصیر عمدی شده است و از این باب که تقصیر او در حقوق انگلیس موجب ضمان قهری می شود مسئول است. بنابراین در جایی که عمدا اظهاراتی خلاف واقع انجام داده، مبنای مسئولیت تقصیر است.

می توان گفت در حقوق انگلیس مبنای ضمان غار، تحمل ضرر توسط مغرور به سبب فعل خلاف واقع خدعه آمیز غار می باشد چرا که مخاطب اظهارخلاف واقع برای طرح دعوای ناشی از فریب و دریافت خسارت، باید ثابت کند که تقلب و فریب و خسارت به طور همزمان وجود داشته است. (John cook, 1999, p 295)

بنابراین در حقوق انگلیس برای تحقق مسئولیت مدنی مبتنی بر توصیف خلاف واقع و فریب لازم می باشد قصد و عمد اظهار کننده نسبت به صدق و کذب اظهارات خود وجود داشته باشد و همچنین ضرری به بار آمده باشد و به مخاطب اظهار ضرر وارده شده باشد بنابراین می توان گفت وقتی اظهار کننده در اظهارات خود قصد و عمد داشته به عبارت دیگر، توصیف خلاف واقع متقلبانه داشته، مرتکب تقصیر شده است و بنابر حقوق انگلیس موجب ضمان و مسئول شناخته می شود لذا مبنای مسئولیت در جایی که عمدا اظهاراتی خلاف واقع انجام داده، تقصیر می باشد.

به عبارت دیگر در حقوق انگلیس در خصوص این نوع شبه جرم، تنها راهی که برای شاکی وجود دارد این است که تضرر وی بر اثر اظهار خلاف واقع طرف مقابل و مسئولیت ناشی از فریب باشد. در تدوین قانون Pasley هیات عالی این قاعده را تصویب کرد که فریب بدون خسارت و خسارت بدون فریب هیچ علتی برای انجام عمل ایجاد نمی کند، اما در جایی که هر دو روی می دهند، عمل شبه جرم روی می دهد. در مورد مولفه های کلاهبرداری، این عقیده ثابت می کند که اظهار نظر کذب در صورتی مشمول فریب می شود که هر دو با علم به کذب بودن موضوع مطرح شده و با نیت القای عملکرد با اتکا بر اظهار نظر ذکر شده باشند. (George Class, 2010, p3)

همه اقدامات فریبنده مشمول اظهار نظرهای خلاف واقع نیستند. برای مثال فردی که در پنهان کاری کلاهبرداری درگیر می باشد، نیازی به دروغ گفتن ندارد. در تحقیق اشنايدر و هیت، یک مالک کشتی قایق را شناور ساخت تا خریدار را از کشف هسته پوسیده باز دارد. در کار سالزمان و مالداوا، فروشنده متهم ظاهراً صفحات آلومینیومی سالم را در بالای دسته ها قرار داد تا اقلام فاسد در زیر مخفی شوند.

در هیچ یک از موارد اقدامات اشتباه ادعاهای دروغین را شامل نمی‌شد، اگرچه استدلال شد که آنها برای فریب محاسبه شدند. (George Class, 2010, p6)

در حقوق انگلیس برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از اظهار خلاف واقع و فریب، اثبات وجود ضرر و زیانی که مخاطب اظهار متحمل شده است ضروری است و مخاطب اظهار باید اثبات کند که عملی که بر اساس اعتماد به اظهار خوانده انجام داده است ضرری متحمل شده است. (Elizabeth, a.martin, 1990, p.128) و در صورتی که ضرری وارد نشده باشد، دادگاه برای جبران خسارت به نفع او رأی نخواهد داد. همچنین در دعوی فریب مخاطب اظهار خلاف واقع باید ثابت کند که تقلب یا تقصیر و خسارت به طور همزمان وجود داشته است. علاوه بر آن مخاطب اظهار باید اثبات کند که خسارات ادعایی، نتیجه احتمالی و طبیعی اظهارات متقلبانه ای است که در باره آنها شکایت شده است. هم چنین خسارت باید قابل تقویم به پول باشد. (بهروم، ۱۳۸۰، ۲۶۳)

عنصر دیگری که در تحقق ضرر و زیان ناشی از فریب باید ثابت شود رابطه سببیت است. وجود رابطه سببیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیان بار لازم و ضروری می‌باشد. در حقوق انگلیس برخی معتقدند رابطه سببیت در غرور باید بین تغیر و ضرر وارده وجود داشته باشد. (Dias and Markesines 1984, p. 184-186)

از دیگر شرایط ایجاد ضمان و مسئولیت مدنی ناشی از توصیف خلاف واقع خدعه آمیز این است که فریب خورده، به خلاف واقع بودن اظهار جاهل باشد و به عبارتی بی خبر و بی اطلاع باشد در نتیجه چنانچه فریب خورده از خلاف واقع بودن مطلع و وضعیت خود را بر مبنای توصیف گذاشته باشد، براساس نظام حقوقی عام کامن لا، فریب دهنده مسئولیتی ندارد پذیرش ارادی خطر مانع از تحقق مسئولیت خواهد بود. (Johnston Markesinis And Deakins, p 467)

به طور کلی در نظام های حقوقی ایران و انگلیس فریب و غرور موجب ضمان می گردد اما در قوانین حقوقی هر کشور، شرایطی مبنا و اصل قرار داده شده است.

یکی از شرایط اساسی در نظام حقوقی انگلیس عمد و آگاهی از فریب است فریب باید عمدی باشد و عمدی بودن آن از سوی خوانده نشان داده شود. ضرورت عمدی بودن فریب در حقوق انگلیس امری پابرجا و مسلم است. و اگر در مورد اظهارات فریبکارانه، عمد و آگاهی در ارایه آن فرض و پذیرفته شود، جبران ضرر محقق می گردد و شخصی که فریب خورده می تواند خسارت وارده ناشی از فریب را از شخصی که فریب داده مطالبه نماید. در حقوق انگلیس چنانچه زیان دیده، از واقع آگاه

بوده یا می دانسته که در معرض غرور و توصیف خلاف واقع بوده اما با اراده خویش کوتاهی کرده و خسارت ببیند نمی تواند علیه خواننده در دعاوی توصیف خلاف واقع و غرور و فریب، دعوی مطرح نماید. زیرا اطلاع زیان‌دیده از تقصیر اظهار کننده و علم به خلاف واقع داشتن بیانگر این واقع است که زیان‌دیده به زیان خویش عمل نموده و در اصطلاح خود مرتکب تقصیر شده است. در حقوق ایران، در این موضوع (عمد و آگاهی) اختلاف می‌باشد و در باره اینکه فریب دهنده باید عالم به واقع باشد و جهل فریب دهنده موجب می‌شود تا او از مسئولیت مبرا باشد، میان فقها اختلاف است برخی او را به دلیل اینکه از واقع امر آگاهی نداشته از مسئولیت مبرا می‌دانند و برخی دیگر به تعبیر اینکه عمل عرفا و نوعاً فریبنده است، وی را مسئول می‌دانند قانون مدنی نیز همین نظر را که منطبق با قول مشهور فقهای امامیه می‌باشد، پذیرفته است و تنها به جهل مغرور به عنوان شرط مسئولیت مدنی فریب دهنده تصریح کرده است.

همچنین در حقوق ایران همانند حقوق انگلیس وجود رابطه‌ی سببیت میان عمل فریب آمیز با ورود ضرر، لازم است یعنی باید میان عمل خدعه آمیز و ورود ضرر رابطه‌ی سببیت برقرار باشد اما در حقوق ایران نیز برخی از فقها قائل بر وجود رابطه‌ی سببیت میان عمل خدعه آمیز با اقدام فریب خورده هستند. در هر دو نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از فریب در ضمان قهری پیش بینی شده است متنها با وجود شرایطی این خسارت قابل جبران خواهد بود. از جمله اینکه ضرر ناشی از فریب باشد و چنانچه در اثر فریب دیگری، خسارت و زیانی به شخصی وارد شود، برای جبران ضرر ناشی از آن می‌تواند به شخص فریب دهنده رجوع کند و ضرر خود را مطالبه نماید. این ضرر باید هم مال یا منفعتی را از بین ببرد و هم اینکه مسلم باشد. در حقوق انگلیس، به عنوان یکی از قواعد کلی و منوط به رعایت محدودیت‌های قانونی، شخص می‌تواند به شیوه خاصی خود را از مسئولیت قراردادی در مورد هر گونه غفلت و تسامح یا در موارد مسئولیت نیابتی رها سازد. و آن هنگامی است که خصوصیات که اعلام می‌شود، به اعتقاد اعلام کننده صحیح و مطابق واقع باشد و چون اظهار کننده در صدد فریب طرف مقابل نمی‌باشد، فریب محسوب نمی‌شود. یکی از این شیوه‌های متداول درج شرط عدم مسئولیت با عبارت مناسب و متعارف است که در واقع بخشی از قرارداد محسوب خواهد شد. اما اگر سوء اظهار متقالبانه باشد و اظهار کننده، هنگام اعلام آن به طور صادقانه معتقد به صحت آن نبوده، ولی اعلام نکرده، فریب محسوب می‌شود یکی مشکلات و معضلات غیر قابل توصیف قاعده غرور در حقوق انگلیس این است که به صورت مستقل به آن پرداخته نشده است.

### ۳-۲- حقوق فرانسه

تدلیس در حقوق فرانسه *Le dol* خوانده می شود که ماخوذ از ریشه لاتین است و به معنای تدلیسی است که پس از انعقاد عقد صورت بندد. *dol* در مسئولیت خارج از قرارداد به معنی تقصیر عمدی به کار می رود و با توجه به اینکه اگر در مسئولیت مدنی، تقصیر عمدی وجود داشته باشد، موجب مسئولیت است. بنابراین در حقوق فرانسه نیز تدلیسی که موجب مسئولیت مدنی گردد، تحت عنوان غرور قابل بحث است. البته باید گفت در حقوق فرانسه قاعده ی خاصی تحت عنوان غرور در مسئولیت مدنی نداریم و غرور هم یک نوع تقصیر است و تحت عنوان تقصیر می آید. در حقوق فرانسه قانون مدنی ۱۸۰۴ تدلیس را مستقیماً تعریف نمی کند ولی ماده ۱۱۱۶ بطور ضمنی تعریفی اگر چه ناقص از آن بدست می دهد. بنا به آنچه از این ماده استنباط می شود تدلیسی که از لحاظ حقوقی موثر باشد هنگامی تحقق می پذیرد که یکی از طرفین عقد عملیات متقابلانه ای انجام دهد که واضح باشد اگر اینگونه عملیات نمی بود طرف دیگر عقد را منعقد نمی ساخت. مثلاً در برخی از مواردی که تصور غلط ناشی از اشتباه تأثیری در عقد نمی گذارد اگر این تصور نتیجه تدلیس طرف دیگر باشد به مدلس حق فسخ می دهد باضافه وقوه تدلیس را که در عنصر مادی خود واقعیت خارجی دارد بسیار آسانتر از صرف اشتباه که جنبه روانی دارد می توان اثبات کرد. (حسین دخت اطاقور، ۱۴۰۳، ۱)

در حقوق فرانسه بین خدعه ای که در مرحله انعقاد عقد ایجاد می شود و تقلب و خدعه ای که پس از عقد انجام می گیرد تفاوت می گذارند. در مرحله انعقاد عقد متوجه عمل حقوقی آینده یعنی عقدی است که در شرف وقوع است حال آنکه تقلب و خدعه پس از عقد به حق ثابتی لطمه می زند که قبلاً بوجود آمده است. (*capitant, 1959,125*)

در حقوق فرانسه تدلیس (یا فریب و نیرنگ) هنگامی تحقق می پذیرد که یکی از طرفین عقد عملیات متقابلانه ای انجام دهد که واضح باشد اگر اینگونه عملیات نمی بود طرف دیگر عقد را منعقد نمیساخت. (حیدری، ۱۳۹۷، ۱۵۳)

به موجب ماده ۱۱۱۶ قانون مدنی فرانسه برای تحقق تدلیس یکی از طرفین عقد باید (مانورهایی انجام دهد...) کلمه مانورها که در ماده بکار رفته است عملیات یا اقدامات معنی می دهد و در عین حال مجازاً به معنای نیرنگ، حيله با خدعه نیز بکار می رود. (*capitant, 1959,245*) بنابراین اگر اقدامات

(فریب و نیرنگ) منجر به انعقاد قرارداد شود، تدلیس محقق شده است. (Nathaniel & Stephen, 2007, p 127)

لذا فریبی که در جهت انعقاد عقد انجام نشود مشمول عنوان تدلیس نمی شود. به عنوان مثال در انعقاد قرارداد تسلیم مال، در اثر اقدامات فریبنده باید مالی تسلیم دیگری شود و ضمانتی ایجاد گردد، لذا تاثیری ندارد که در اثر فریب غار تسلیم مال واقع شود یا شروع به انجام اقداماتی شود که مستقیماً به تسلیم مال منجر میشوند.

ماده ۱۱۱۶ رابطه بین تدلیس و اشتباه را بروشنی نشان می دهد زیرا رضای مدلس، مانند رضای مشتبه ناشی از تصور غلط است منتهی تصور غلطی که برخلاف مورد اشتباه شخصی نیست و از عمل دیگر حاصل میشود.

همان گونه که بیان شد، اگر اقدامات (فریب و نیرنگ) منجر به انعقاد قرارداد شود، تدلیس محقق شده است. در قانون فرانسه اگر یکی از طرفین قبل یا در حین انجام انعقاد قرارداد خصوصاتی در مورد عقد گفته باشد که با واقعیت تطبیق نکند ولی طرف مقابل را به انعقاد عقد بر انگیزاند، اگر به صورت شرط صریح یا ضمنی در عقد گنجانده نشود، برای اینکه سوء اظهار اثر حقوقی داشته باشد شخص باید ثابت کند که این اظهار از لحاظ قانونی مسئولیت زا می باشد. این اظهارات باید روشن و بدون ابهام و راجع به امری مهم و اساسی در حین انجام انعقاد قرارداد باشد. همچنان که مشاهده می شود این اشکال و ابهام همچنان پابرجاست، که امر مهم و اساسی از نظر قانونگذار فرانسه به چه چیزی بستگی دارد و چه چیزی امر مهم و در زمره امر اساسی قرار می گیرد و چه چیزی امری غیر مهم و غیر اساسی است و یا همین قانون مشخص نکرده در صورتی که اظهارات برای امر مهم و اساسی نباشد، چگونه باید باشد، و یا اظهاراتی که برای یکی از طرفین اساسی است ولی برای قاضی جز اصول اساسی و مهم نباشد تکلیف چیست.

قانونگذار فرانسه از مانورهای متقلبانه به عنوان تدلیس و فریب نام برده است و منظور از آن انجام اقدامات نمایشی است که فریب را به صورت محسوس نشان داده، به آن صورت مادی دهد تا اینکه به امور خلاف واقع و موهوم مورد ادعای فاعل ظاهر حقیقی و واقعی بخشد. البته بهتر بود قانونگذار فرانسه به این امر تصریح می کرد اقدامات نمایشی که یکی از طرفین عامدانه و با علم به صحت نمایشی بودن آن، که فریب در آن محسوس است؛ مرتکب می شود نوعی کلاهبرداری هم محقق می گردد. و شخص علاوه بر فریب، جرم کلاهبرداری هم مرتکب شده است.

لذا مجرد به کار بردن فریب به هر طریقی، تدلیس و خدعه تلقی نمی شود، بلکه باید به کار بردن این وسائل عملاً منجر به انعقاد قرارداد یا انجام معامله ی موردنظر غار گردد، تا موجب ضمان و مسئولیت شود. به عبارت دیگر، فریب باید همراه با اقدامات مثبت صورت گیرد؛ تا موجب ایجاد مسئولیت گردد. بر این اساس مجرد دروغ تشکیل دهنده رکن اصلی تدلیس نیست لذا باید دروغ همراه با یک عمل مادی یا تظاهر خارجی باشد که منجر به تصدیق و پذیرش آن گردد تا این که به عنوان مانور به حساب آید.

#### ۴- تطبیق و مقایسه در حقوق اسلام، ایران، انگلیس و فرانسه

به طور کلی بحث فریب و نقش آن در تحقق ضمان قهری در حقوق انگلیس نسبت به حقوق ایران و فرانسه جامع تر به نظر می رسد و در رجوع به آن بخاطر رویه هایی که در این خصوص صادر شده قضات و دادگاه های این کشور کمتر دچار سردرگمی می شوند اما در حقوق ایران فریبکاری و ضمان ناشی از آن که فقها به طور خاص و در قالب قاعده ی غرور به آن پرداخته چندان توجهی نشده و مختصر بحث حقوقی آن برگرفته از همان مباحث فقهی است، که با کم و کاستی هایی روبرو بوده، و نیازمند غنای بیشتر و بحث و بررسی است. قوانین مصوب در این مورد غالباً در ذیل مباحث دیگر آمده و نیازمند تدقیق و تفسیر می باشند همچنین ماده قانونی مشخصی به ضمان قهری ناشی از فریب و غرور اختصاص داده نشده و آن را باید در لابلای دیگر قوانین مانند بحث غصب، اتلاف و یا تسبیب جستجو کرد. بر این اساس لازم است در حقوق ایران مصادیق و مبنای ضمان در مسئولیت مدنی در فریب روشن گردد و راهکارهای جبران ضرر در فریب در ضمان قهری به طور دقیق و چگونگی جبران آن مشخص شود. قوانین مصوب ایران در مورد فریب و غرور نسبت به حقوق فرانسه شفافتر است و اشخاص کمتر در حالت سردرگمی قرار می گیرند، قانون مدنی فرانسه با ابهامات زیادی روبرو است. در حقوق این کشور، قاعده فریب را باید ذیل نیرنگ و تدلیس استخراج و تفسیر کرد که گاهی اوقات ممکن است برخی در تفسیر آن سوء استفاده کنند و یا سهواً تفسیری به نفع فریبکار و و به ضرر شخص زیان دیده شود. ایراد دیگر اینکه قانون مدنی فرانسه و ماده ۱۱۱۶ آن که به فریب اشاره شده است مربوط به سال ۱۸۰۴ است و بروزرسانی نشده در صورتی که تقریباً با پیشرفت تکنولوژی شیوه تدلیس و فریب هم پیچیده تر شده که در برخی مواقع تشخیص آن ناممکن و یا بسیار دشوار می باشد، و قضات را با سردرگمی های فراوانی روبرو می کند. لذا لازم است که هر چند به صورت جزئی در آن بازنگری شده و بروزرسانی شود. تا از مشکلات و موانع بوجود آمده جلوگیری شود.

## نتیجه گیری

بحث فریب و نقش آن در تحقق ضمان قهری در حقوق ایران برگرفته از فقه می‌باشد و در حقوق انگلیس با عنوان اظهار خلاف واقع، تقلب و خدعه مورد بررسی قرار گرفته و بیان شده است. در حقوق ایران فریب، با عنوان غرور و در مباحث فقهی تحت عنوان قاعده غرور و ضمان ناشی از آن با عنوان ضمان غرور مورد بحث قرار گرفته، با حصول شرایطی موجب مسئولیت مدنی است. شرایطی مانند تحقق و ایجاد ضرر، وجود تقصیر و رابطه‌ی سببیت بین ضرر و فعل یا قول غار (فریب‌دهنده)، از موجبات و شرایط ضمان فریب می‌باشند هم‌چنین ترک فعل نیز می‌تواند در صورت تحقق شرایط منجر به فریب موجب ضمان بر مبنای غرور گردد و در صورتی که شرایط فراهم باشد، شخص فریب دهنده مسئول جبران خسارت وارده بر فریب خورده است. هم‌چنین در حقوق انگلیس ضرورت انجام فعل یا قول از ناحیه‌ی شخص غار، فریب خوردگی مغرور و انجام فعل از ناحیه‌ی شخص مغرور به واسطه‌ی فریب خوردگی از عمل مزبور در هر صورت لازم می‌باشد. در حقوق انگلیس وجود هر سه امر فوق برای تحقق مسئولیت ضروری می‌باشد. در حقوق ایران همانند حقوق انگلیس وجود رابطه‌ی سببیت میان عمل فریب آمیز با ورود ضرر، لازم است یعنی باید میان عمل خدعه آمیز و ورود ضرر رابطه‌ی سببیت برقرار باشد.

در حقوق فرانسه، قانون مدنی این کشور از فریب و غرور، بحثی به میان نیاورده است. آنچه در حقوق این کشور با غرور و فریب انطباق دارد، تدلیس و نیرنگ است و هنگامی تحقق می‌پذیرد که یکی از طرفین عقد عملیات متقلبانه‌ی انجام دهد که واضح باشد اگر اینگونه عملیات نمی‌بود طرف دیگر عقد را منعقد نمیساخت لذا فریبی که در جهت انعقاد عقد انجام نشود مشمول عنوان تدلیس نمی‌شود.

## منابع و ماخذ

### ب- منابع فارسی

- بهرامی، حسین. (۱۴۰۳). بررسی تجاری بودن معاملات غیر منقول با تأملی در حقوق فرانسه.

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۶(۲۱)، ۴۵-۶۶. [doi: 10.22034/law.2024.2014978.1269](https://doi.org/10.22034/law.2024.2014978.1269)

- حیدری سید رسول (۱۳۹۷)، تدلیس، مروری بر حقوق تطبیقی ایران، فرانسه و انگلیس، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۱۹
- سلیمانزاده، سمیرا. (۱۴۰۴). شخصیت حقوقی، تاریخچه، مبانی و آثار، با تاکید بر بررسی تطبیقی شرکتهای تجاری در نظام حقوقی ایران و حقوق نوشته (فرانسه و آلمان). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۸(۲۶)، ۷۹-۱۰۶. [doi: 10.22034/law.2025.2045235.1480](https://doi.org/10.22034/law.2025.2045235.1480)
- شفیعی علویجه، قاسم (۱۳۹۰). شرایط غرور موجد مسئولیت در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم شماره ۳۳، تابستان.
- لطفی اسداله، (۱۳۷۹)، قاعده غرور، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۴۷
- نجفیان مجید (۱۳۹۷). بررسی مسئولیت مدنی ناشی از اضطرار، اکراه، فریب و غرور در فقه امامیه و حقوق ایران، کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، حقوق و اجتماعی.
- نوح جاه ریحانه و وارسته بازقلعه محمد (۱۴۰۰). بررسی فقهی و حقوقی قاعده غرور، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی.
- ولائی نادر، ره پیک سیامک و کاظمی نادر، (۱۴۰۱)، تحلیل فقهی - حقوقی ضمان غرور با تاکید بر ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نشریه علمی مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، شماره ۲۸
- حسین دخت اطاقور شادی (۱۳۹۵)، تدلیس در معاملات و قراردادهای نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق،

#### ب- منابع خارجی

- Angus Johnston. Basil Markesinis and Simon Deakins. TORT LAW. Seventh Edition. Clarendon Press. Oxford.
- Dias and Markesinis (1984). Tort Law, London, Clarendon Press, 1984
- Elizabeth, A. Martin (1990). A Concise Dictionary of Law Oxford University, 1990 ,
- Elizabeth, A. Martin (1990). A Dictionary of law, Fifth Edition, Oxford University Press.
- George Class (2010). Meaning, Purpose and Cause in the Law of Deception, Georgetown University Law Center.
- Gregory Klass, Meaning (2012). Purpose, and Cause in the Law of Deception, Georgetown University Law Center.
- H. capitant Colin (1959). Traite de droit civil. Paris,
- JOHN COOKE, LAW of TORT (1999). fourth Edition, Liverpool University.

- Laura C.H. Hoyano Bristol(1996). LIES,recklessness and Deception : Disentangling Dishonestby Civil Fraud .
- Persily Nathaniel & Ansolabeher Stephen; Vote fraud in the eye ofthe beholder; Harward Low Review, 2007
- The role of deception in the realization of forced guarantees (review of Iranian law with a comparative view of English law)
- Allama Helli, Rules of Judgment in the Definition of Halal and Haram, Fiqh and Principles, Islamic Publications, Volume 2. ( In Arabic)
- Amid Zanjani Abbasali(2010). Reasons for guarantee, Tehran, Mizan Publishing House. ( in Persian)
- Bahrum, Mahdali.(2001). Misrepresentation in English law and fraud in Islamic law, Translation: Qanavati, Jalil, Abdipour, Ebrahim, Qom, Research Institute for Islamic Sciences and Culture. ( in Persian)
- Bojnourdi, Mirza Hassan.(2007). Al-Qasa' al-Fiqhiyyah, Publications, Manifests of our Reasons, third edition. ( In Arabic)
- Hosseini Maraghe'i Mirfatah.(1996). Al-Awsal al-Fiqhiyyah, Qom, Islamic publishing office affiliated with Qom Madrasin Society, second volume. ( In Arabic)
- Johri, Ismail bin Hammad.(1989). Taj al-Lagheh and Sahih al-Arabiyyah, first edition of Dar al-Alam Lal-Malayin, Beirut, volume two. ( In Arabic)
- Katouzian Nasser.(2012). General Rules of Contracts, Joint Stock Publishing Company, Volume 2. ( in Persian)
- Katouzian Nasser.(2021). General Rules of Contracts, Joint Stock Publishing Company, Volume 2. ( in Persian)
- Makarem Shirazi Nasser(1990). Rules of Jurisprudence, Qom, Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School. ( In Arabic)
- Makarem Shirazi Nasser.(2000). Important Jurisprudential Rules; Translation of Al-Qawād al-Faqih, Qaemiyeh Computer Research Center, Isfahan. ( In Arabic)
- Mohaqiq Damad, Mustafa.(1998). Rules of Jurisprudence (Civil Section), Samt Publications, Tehran. ( in Persian)
- Mohaqiq Damad, Mustafa.(2018). Rules of Jurisprudence (Civil Section), Islamic Sciences Publishing Center - Tehran, Iran. ( in Persian)
- Mousavi Bojnourdi Seyed Hassan.(1998). Al-Qasas al-Faqihah, Qom al-Hadi, first volume. ( In Arabic)

- Mullah Ahmad Naraqi.(1994). Documentary of Shia in the rules of the law, first edition. Al-Bayt Institute, peace be upon them, Qom, second volume. ( In Arabic)
- Najafi, Mohammad Hassan.(1983). Jewels of speech in the explanation of Islamic laws, Dar Ihya al-Turat al-Arab, Lebanon, volume 35. ( In Arabic)
- Safaei Seyed Hossein and Emami Asadullah.(2012). Family Law, Marriage and Its Dissolution (Annulment and Divorce), University of Tehran, Volume 1. ( in Persian)
- Safaei Seyed Hossein and Rahimi Habibollah.(2018). Civil liability (non-contractual requirements), organization of studying and compiling humanities and university books (position). ( in Persian)
- Safari, Mohsen.(1998). Fraud and its effects in Iranian civil law and Imamiyya jurisprudence (the rule of pride), Part 1, Tehran: Dadgostar Press. ( in Persian)
- Shahid Thani.(1989). Sharh Lam'ah, Vol. 5, Beirut. ( In Arabic)
- Sheratoni Lebanese Khoury, Saeed. Aqrab al-Mawdar, second volume, Qom, Ayatollah al-Marashi al-Najafi school. ( In Arabic)
- Tabarsi, Abu Ali Al-Fazl.(1912). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, edited by Sayyid Hashim Rasuli Mahallati. ( In Arabic)
- Taheri Habibollah.(2012). Civil Law, Qom Publications Affiliated with the Teachers' Association, Volume Two. ( in Persian)
- Ansari Sheikh Morteza.(2005). Al-Makasab al-Muharmah, Jamal al-Fikr al-Islami, volume three.( In Arabic)
- Emami, Hassan.(2012). Civil rights, Islamia Publications, Volume 1.( in Persian)
- Bahrami, H. (2024). Study of Commercial Nature of Real Estate Transactions with Recognition in the French Legal System. Journal of Research and Development in Comparative Law, 6(21), 45-66. [doi: 10.22034/law.2024.2014978.1269](https://doi.org/10.22034/law.2024.2014978.1269).( in Persian)
- soleimanzadeh, S. (2025). Legal personality, history, foundations and functions with the emphasis of comparative study of corporations in Iran and Roman0German countries (French and Germany). Journal of Research and Development in Comparative Law, 8(26), 79-106. [doi: 10.22034/law.2025.2045235.1480](https://doi.org/10.22034/law.2025.2045235.1480).( in Persian)

## Conditions and effects of deception and pride in the realization of compulsory guarantee; A comparative study in Islamic, Iranian, English and French law

### Abstract

Pride is one of the important causes of coercive liability, which includes a wide range of deception, fraud, and deceit. This means that if someone deceives another and as a result, a loss or damage is incurred, then the deceiver is liable and liable. The condition for the realization of pride and its actions requires loss or damage. This rule is one of the jurisprudential rules, and jurists have discussed it under the rule of “the arrogant person returns to someone else.” In Iranian legal books, this issue has not been examined independently and coherently, and its criteria are not clear. Therefore, what is stated in these books is incomprehensible and shows the legal vacuum resulting from it, which has led to challenges in this field. However, it is necessary to mention that in comparison to French law, it seems to be more progressive. In French law, deception and arrogance have a personal aspect and are included in the scope of defects of will and consent. Accordingly, Article 1116 of the French Civil Code provides a definition of deception and arrogance, which itself does not cover all cases of deception; it is incomplete and in some cases ambiguous. However, English law has been more comprehensive than Iranian and French law. In English law, arrogance and arrogance are referred to as fraud and false statements and are realized when a two-sided concept is used without sufficient clarity and the person describing it intentionally makes untrue statements with the intention of deceiving or is careless about the truthfulness of his statements. However, a study of the legal rules of the aforementioned countries shows that fraud is considered a cause of civil liability and the basis of the warranty ruling resulting from it is deception and arrogance that causes damage and compensation to be borne by the deceived person. Each of them tries to prevent its occurrence within their society with their own methods, and in some cases, it is mainly based on the existence of omission or non-omission of the act.

**Keywords:** Deception, Pride Rule, Forced Warranty, Civil Liability, Fraud, Misrepresentation

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده  
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited